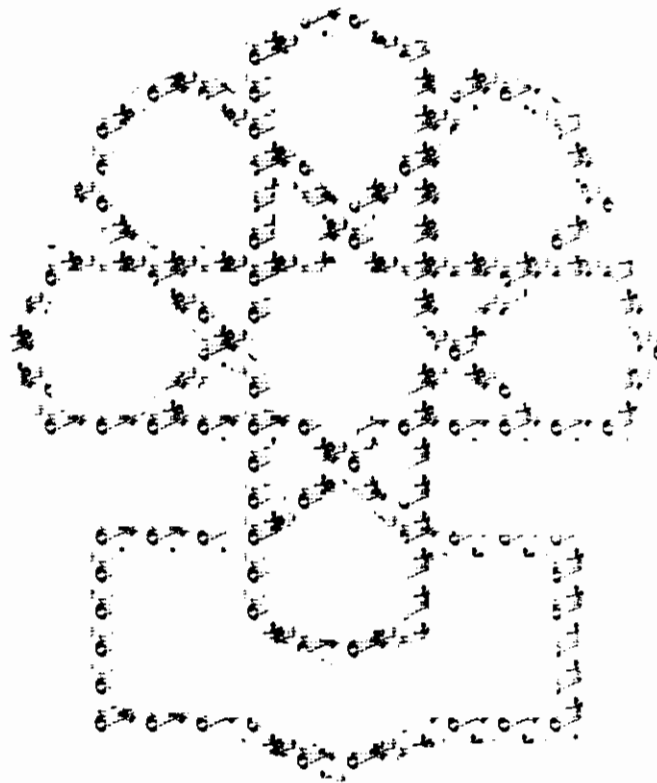




بازشناسی خط امام

سخنرانی آقای مهندس مرتضی نبوی

در جمع دانشجویان تبریز



معاونت پژوهشی

خرداد ۱۳۷۸

کار: دفتر معاونت پژوهشی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مآرایی

شماره: ۱۳۰۲۶
تاریخ: ۷۸/۹/۲۴

کد گزارش: ۴۱۰۴۵۷۰

بسمه تعالی

بازشناسی خط امام

سخنرانی آقای مهندس نبوی در جمع دانشجویان تبریز

کد گزارش: ۴۱۰۴۵۷۰

امسال یکصدمین سال تولد بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران است. از خداوند مدد می‌جوییم تا در فرصت پیش‌رو، مروزی بر ویژگی‌های خط امام که در حقیقت همان سلوک ایشان است داشته باشیم. فکر می‌کنم که دانشجویان عزیز و پژوهشگران به همین مناسبت، بر دامنه بررسی‌های شان - با دقت و وسواس بیشتری - افزوده‌اند و از این بابت جای تقدیر و تشکر دارد. من گمان دارم که اگر ما بتوانیم اصول این خط را در کندوکاوی نو و محققانه، استخراج کنیم و به صورت شفاف در دسترس قرار دهیم، می‌توانیم وحدت بیشتری را در جامعه خود دامن بزنیم و گامی در جهت تقریب بین همه جناح‌ها برداریم.

می‌دانیم که وحدت کلمه، رمز پیروزی انقلاب ما بود. معنی وحدت کلمه هم جز این نیست که اختلاف نظرها به کناری گذاشته شود. معمولاً برخورد اندیشه‌ها منجر به موضع‌گیری‌های متعدد و در نهایت تفرقه می‌شود. بنابراین هر چه در مبانی، کار بیشتری صورت بگیرد، در نتایج نیز همسویی‌های بیشتری فراهم آید و همین شرح مفهوم وحدت کلمه است که یکی از فرازهای بلند خط امام به حساب می‌آید.

امام خود این مسئله را با دقت تبیین فرموده‌اند و چارچوب وحدت را نیز روشن کرده‌اند و جای اختلاف نظر را نیز آشکار کرده‌اند که شاید بد نباشد در همین ابتدای سخن، من به فرمایشات ایشان در همین زمینه اشاره کنم تا برای ما روشن باشد آن جاهایی که محل اختلاف نظر است کجاست؟ و در چه جاهایی اختلاف نه تنها پذیرفته نیست، که مردود و حتی خطرناک هم هست؟

همه می‌دانیم که در هر جامعه‌ای، اصولی برای حفظ یکپارچگی وحدت ملی عنوان می‌شود و یا به عبارت دیگر مبانی وحدت کلمه، مطرح می‌گردد. در رابطه با مبانی وحدت کلمه، سه گام ضروری وجود دارد. آن اصول را شناخت. دوم آن‌که همه جناح‌هایی که در آن جامعه فعالیت دارند باید آن اصول را رعایت کنند و در حول آن اصول وحدت داشته باشند و بالاخره سوم آن‌که حول قضایایی که محل اختلاف و برخورد اندیشه‌هاست، نظر خودشان را بیان کنند تا از چالش آزا و تضارب اندیشه‌ها، راه بهتری بیرون بیاید که برای ارتقای جامعه، سودمند افتد. این قواعد سه‌گانه، اصلی‌ترین قواعد رفتار سیاسی را در یک جامعه رشد یافته، بیان می‌کند.

من در اینجا به نامه‌ای که جناب آقای محمدعلی انصاری خدمت امام نوشتند اشاره می‌کنم. حضرت امام در تاریخ ۱۳۶۷، ۸، ۱۰ به آن نامه پاسخی دادند و در آنجا ضمن به رسمیت شناختن اختلاف نظرها می‌فرمایند: «کتب فقه‌ای بزرگوار اسلام پُر است از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و برداشت‌ها در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و عبادی». این اشاره‌ای بر پذیرش اصل اختلاف نظر است. لکن ایشان در مورد محدوده‌هایی که نباید اختلاف نظر باشد، اشاره روشنی دارند و می‌گویند که اگر اختلاف، زیربنایی و اصولی شود، به سستی نظام منجر می‌شود. امام (ره) تأکید دارند که: «در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی فقهی در

زمینه‌های مختلف (ولو مخالف با یکدیگر) آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد». ایشان سپس به ضرورت شناخت درست حکومت و جامعه می‌پردازند و می‌گویند: «ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است». ایشان در همین مکتوب به جناح‌های سیاسی اشاره می‌نمایند و می‌گویند که اگر من جناح‌های موجود کشور را تأیید می‌کنم، به این دلیل است که اینها در اصول با هم اختلاف ندارند. بلکه در اصول اتفاق نظر دارند. همین سخن، ضرورت تبیین خط امام را مطرح می‌کند. باید دید که اصول خط امام چیست که در آن اصول جای اختلاف بین جناح‌ها نیست، چرا که جناح‌هایی که مورد تأیید حضرت امام بوده‌اند، آنهایی بوده و هستند که در آن اصول اختلاف و مناقشه نداشته و ندارند. به گمان من اگر تلاش ما منجر به تبیینی شود که همه جناح‌های کشور قبول داشته و در آن اتحاد داشته باشند، وحدت ملی حفظ خواهد شد. امنیت و منافع ملی تحقق خواهد یافت. ثبات سیاسی برقرار خواهد شد و برخورد اندیشه‌ها هم جایگاه واقعی خود را پیدا خواهد کرد.

همه می‌دانیم که حضرت امام اصولاً حرکت‌شان براساس اداء وظیفه الهی شروع شد. امام به خاطر خدا قیام کرد. آنچه را که تأکید داشتند همواره از همان اوان جوانی و آغاز حرکت نهضت و بعد از آن همیشه آن را مدنظر داشتند. إِنَّمَا أَعُضُّكُمْ بِوَجْهِهِ إِنْ تَقُومُوا لَهُ. خداوند متعال می‌گوید من یک نصیحت دارم و آن این است که به خاطر خدا قیام کنید. همه حرکت‌ها، قیام‌ها، هجرت‌ها و تمام زندگی حضرت امام، تحقق همین آیه و تشخیص حق و مبارزه با باطل براساس انجام وظیفه بود و در این رهگذر با تمامی سرمایه عمرشان، مایه گذاشتند. حال که تصویر حیات پرفروغ امام را پیش رو داریم به جرأت می‌توانیم بگوییم که امام، حق محور بودند، حقی که در مقابل باطل است، نه این که حق را نسبی می‌دانستند یا این که هر کس سهمی از حق دارد. امام دغدغه انجام وظیفه داشت. نکته مهمی که در خط مبارک حضرت امام می‌بینیم - و این در حقیقت خصوصیت اسلام است - این است که تعارضی در دیدگاه امام بین وحی و عقل وجود ندارد. برخی با نسخه‌برداری از رویدادهای غرب مطرح می‌کردند یک روزی کلیسا به خاطر تسلط بر حکومت، دنبال اصالت وحی بود و سرانجام عقل‌گراها در مقابل آن قیام کردند و عقل را جایگزین آن کردند. از آنجا که عقل هم مربوط به انسان بود، نسبی شد و خلاصه جنگ بین عقل و وحی بالا گرفت. برخی سعی کردند این جدال را به محیط ما هم تسری بدهند. آنها فکر می‌کنند در اسلام هم بین وحی و عقل درگیری وجود دارد. در حالی که در اسلام و در خط مبارک حضرت امام، اینها با هم جمع می‌شوند. اگر در غرب بین خدا و انسان تقابل وجود دارد و در مقابل یکدیگر هستند و اگر در آنجا برای این که حقوق انسان تأمین بشود، جا برای خدا تنگ می‌آید و باید خدا از صحنه سیاسی خارج شود، در خط امام هیچ تعارضی بین خدا و انسان نیست. دین و سیاست هم همین‌طور است. تفکیکی بین دین و سیاست وجود ندارد و مقابله‌ای هم بین دین و آزادی برقرار نیست. اگر در جامعه، اختلاف نظرهایی هست، آن اختلاف نظر‌ها در امام جامعه به وحدت می‌رسند و امامت هم معنی هدایت به حق است که البته چنین امامی باید خود حق را شناخته باشد و به آن دست پیدا کرده باشد تا بتواند جامعه و امت را هم به حق، رهنمون شود.

اشاره کردم که در خط امام، اختلاف نظر‌ها کاملاً به رسمیت شناخته شده، مع الوصف در اصول، هیچ جای اختلاف نیست. بلکه در اصول بین جناح‌ها، وحدت برقرار است. اگر کلیسا در تنازع با حقوق انسان قرار گرفته بود، مسجد و کعبه، خانه خدا هستند که برای مردم پایه‌گذاری شده‌اند. اسلام، همه ابعاد دنیا و آخرت،

مسائل فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انسان را پوشش می‌دهد و چه خوب است که ما به مناسبت سال امام، این اصول را شفاف کنیم و آنها را مایه وحدت خودمان قرار دهیم.

من در ادامه عرایض می‌گویم مشخصات و ویژگی‌های خط امام را در عرصه حکومت، در ساختار حکومت، در سیاست داخلی و خارجی، در حوزه اقتصاد و فرهنگ، خدمتتان بیان کنم.

ابتدا به قضیه حکومت اشاره می‌کنم که خیلی صریح و آشکار، امام آن را در این شعار، برافراشتند: «جمهوری اسلامی، نه یک کلمه زیاد و نه یک کلمه کم». جمهوری اسلامی به این معنی که دو مفهوم «جمهوریت» و «اسلام» با هم جمع شده‌اند. در حقیقت جمهوریت و اسلام، هر دو شرط لازم و کافی را برای تشکیل حکومت و مشروعیت حکومت فراهم می‌آورند. اگر صرفاً و به تنهایی، رأی مردم در کار باشد، این فقط جمهوریت خواهد بود که در آن اسلام مطرح نیست. از دیدگاه حضرت امام یک چنین حکومتی، مشروعیت الهی ندارد. یعنی اگر فارغ از اسلام، فارغ از دین و فارغ از وحی، حکومتی متکی به آرای مردم (بدون در نظر گرفتن اسلام و اساس وحی) تأسیس شد، این چنین مجموعه‌ای از نظر حضرت امام خالی از مشروعیت الهی است. یک چنین حکومتی، از نظر اسلام حق دخل و تصرف در امور جامعه و مردم را ندارد. تردیدی نیست که وقتی مردم جمع شدند و رأی دادند، یک حکومت جمهوری پسا می‌گیرد و شرط لازم، محقق می‌شود، اما این یک شرط لازم است ولی شرط کافی فراهم نیامده است.

در اینجا اجازه بفرمایید عبارتی را از حضرت امام خدمت شما قرائت کنم که ناظر به همین بحث است و تقاضا دارم به دقت توجه کنید. امام می‌فرمایند: «حکومت به جمیع شئون‌ها و ارگان‌هایی که دارد تا [هنگامی که] از قبل شرع مقدس و خداوند تبارک و تعالی شرعیت پیدا نکند، اکثر کارهای مربوط به قوه مقننه و قضائیه و اجرائیه بدون مجوز شرعی خواهد بود و دست ارگان‌ها که باید به واسطه شرعیت آن، باز باشد، بسته می‌شود و اگر بدون شرعیت الهی کارها را انجام دهند دولت به جمیع شئون، طاغوتی و مجرم خواهد بود و لهذا تعیین خبرگان و فقیه شناسان از تکالیف بزرگ الهی است و هیچ کس را عذری در مقابل اسلام و پیشگاه خداوند قهار، نخواهد بود». که این از صحیفه نور جلد ۱۷ و صفحه ۱۰۳ است که خدمتتان قرائت شد. یا عبارت دیگری دارند که می‌فرمایند: «اگر چنانچه فقیه در کار نباشد، ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است. یا خدا یا طاغوت، یا خدا یا طاغوت. اگر به امر خدا نباشد، رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است. وقتی غیر مشروع شد، طاغوت است. اطاعت او، اطاعت طاغوت است. وارد شدن در حوزه او و وارد شدن در حوزه طاغوت است». یعنی مردم جمع می‌شوند و به رئیس جمهوری رأی می‌دهند، ولی این رئیس جمهور موقعی مشروعیت الهی پیدا می‌کند (یعنی از نظر الهی می‌تواند دخل و تصرف در امور کند) که، منصوب یک ولی فقیه باشد و به اذن ولی فقیه کارهایش را انجام دهد. این مسئله رازمانی که امام حکم رئیس جمهور را تنفیذ می‌کردند (این اصطلاح تنفیذ را شما در قانون اساسی هم نمی‌بینید ولی حضرت امام در احکام تمام رئیس‌ان جمهور قید کرده‌اند) ملاحظه می‌نمایید. مثلاً ایشان در حکم رئیس جمهوری بنی‌صدر که در ۱۵/۱۱/۱۳۵۸ صادر کردند. چنین مرقوم فرمودند:

«براساس آن که ملت شریف ایران با اکثریت قاطع جناب آقای دکتر سید ابوالحسن بنی‌صدر را به ریاست جمهوری اسلامی کشور جمهوری اسلامی ایران برگزیده‌اند و برحسب آن که مشروعیت آن باید به نصب فقیه جامع الشرایط باشد.....»، یعنی تا امام که فقیه جامع الشرایط هستند ایشان را نصب نکنند، مشروعیت از جنبه الهی پیدا نمی‌کنند و سپس ادامه می‌دهند: «..... اینجانب به موجب این حکم رأی ملت را تنفیذ و ایشان

راه این سمت منصوب نمودم. لکن تنفیذ و نصب این جانب و رأی ملت مسلمان ایران محدود است به عدم تخلف ایشان از احکام مقدسه اسلام و تبعیت از قانون اساسی اسلامی ایران». در حکم شهید رجائی هم بحث تنفیذ مطرح است یعنی این که اصولاً بدون حضور ولی فقیه که از طرف خداوند در امور مردم دخل و تصرف دارد حکومت مشروعیت پیدا نمی کند.

من می خواسته توجه عزیزان دانشجو را جلب کنم به این نکته مهم که در جمهوری اسلامی، هم جنبه جمهوریت آن لازم است و شرط تحقق حکومت است و هم جنبه اسلامیت آن. اسلامیت هم با حضور ولی فقیه ظهور پیدا می کند و در چنین ترکیبی است که جمهوری اسلامی شکل می گیرد. این که بعضی مطرح می کنند که در ارکان حکومت غیر از رأی مردم جایی برای اسلام و ولی فقیه نیست، بلی، ما اصلاً این تأکید را از حضرت امام داریم که فرمودند: «میزان رأی ملت است»؛ اما توجه داشته باشیم که این جمله با توضیحی که خود امام دارند روشن می شود که این میزان رأی، باز مقید به اسلامی بودن و در چارچوب اسلام بودن است. جمهوری اسلامی یعنی این که رژیم به احکام اسلامی و به خواست مردم عمل می کند. جمع بالندهای است بین خواست مردم و احکام اسلامی. به سخنان خود امام توجه کنید: «بله، رژیم رسمی رژیم جمهوریت می شود. لکن اسلامی نمی شود. مگر آن که احکام اسلام در او جاری بشود». ایشان در جای دیگری اشاره می کنند که مقصود ما این است که در حکومت اسلام، اسلام و قانون اسلام حکومت کند و اشخاص برای خودشان و به فکر خودشان حکومت نکنند. یا می فرمایند: «ما می خواهیم یک حکومت الهی باشد. موافق میل مردم و موافق رأی مردم و موافق حکم خدا». آن چیزی که موافق با اراده خداست موافق میل مردم نیز هست. یعنی اسلام براساس فطرت انسانهاست به همین دلیل، اسلام یک دین فطری است. آن چیزی که موافق با اراده خداست موافق میل مردم نیز هست و همین براساس، قانون اساسی و جمهوری اسلامی ما شکل گرفته است. در اصل دوم قانون اساسی ما، اساس جمهوریت براساس توحید، معاد، نبوت، عدل و امامت شکل گرفته و در اصل چهارم همه احکام و همه اصول تحت الشعاع احکام اسلامی هستند و همه چیز باید اسلامی باشد. در مجلس شورای اسلامی همه مصوبات توسط شورای نگهبان بررسی می شود که این مصوبات خلاف شرع و قانون اساسی نباشد. خلاف قانون اساسی نبودن البته در همه نظامها هست، لکن وقتی از سوی مردمی، نظامی اسلامی با رأی خودشان تأسیس می شود، در این نظام، جنبه اسلامی بودن آن مورد توجه ویژه قرار می گیرد. پس ملاحظه می شود که با تشکیل جمهوری اسلامی، صحبت از شکل گیری توأمان حاکمیتی الهی و مردمی در میان است. این از آن اصول خدشه ناپذیر است و محل اختلاف نیست و جزو اصول مسلم خط مبارک حضرت امام است.

حضرت امام، اهدافی را برای حکومت الهی بیان می کنند که اشاره ای در این زمینه خدمتان عرض می کنم. همه می دانیم که رسول گرامی اسلام (ص) که تشریف آوردند در مقام تشکیل حکومت بودند، چرا؟ به خاطر آن که اسلام دینی است که جدای از سیاست نیست و دین و سیاست در اسلام از یکدیگر تفکیک ناپذیر است. این هم جزو مبانی غیر قابل تردید خط امام است: تفکیک ناپذیری دین و سیاست. حضرت امام اهداف یک حکومت الهی را که جمهوری اسلامی یکی از آن حکومتهاست، بدین ترتیب بیان می کنند: «در حکومت الهی یکی از هدفها تربیت انسان است یعنی اگر در حکومت های غیردینی، حکومت نقشی ندارد در تربیت مردم. ولی در حکومت های الهی اینها جزو اهداف حکومت است. تربیت انسان هدف اصلی نظام الهی است» یا این که: «در حکومت الهی هدف این است که همه کارها رنگ الهی و

جنبه الهی به خودش بگیرد. تمام ابعاد زندگی انسان زندگی فردی و اجتماعی، روابط اجتماعی، سیاسی، سیاست خارجی و فرهنگی. همه اینها جنبه الهی پیدا کند و در حقیقت این دنیا و آن دنیا مکمل باشند. این دنیا مقدمه زندگی بعد از دنیا باشد و هدف این حکومت الهی، الهی کردن همه امور است.

به تأکید حضرت امام، حتی مهار طبیعت باید وسیله عبودیت باشد فلاسفه و دانشمندان و به خصوص دانشمندان طبیعی، تمام نظرشان به این است که آثار طبیعت را کشف و از آن استفاده کنند. انبیاء هم کشف و مهار طبیعت را قبول دارند. لکن مهار طبیعت را آنطور می خواهند که در تحت عبودیت تحقق پیدا کند. یا در مورد تمدن می فرمایند که: «تمدن را به درجه اعلاهی آن اسلام قبول دارد و کوشش می کند برای تحقق آن و لهذا حکومت هایی که در اسلام بوده اند یک حکومت هایی بوده اند که همه نوع تمدن در آنها بوده است. منتهی با هدف تکاملی آخرتی». در اینجا حضرت امام تذکر مهمی می دهند که نباید فراموش بشود و آن این که یکی از اهداف مهم حکومت - که اصولاً بدون آن این امر و هدف مهم تحقق پیدا نمی کند - مسئله اجرای عدالت است. قرآن کریم می گوید: انبیا آمدند کتاب ها نازل شد. میزان آمد تا این که سرانجام مردم عدالت را بر پا دارند. حضرت امام در جایی می فرمایند که بدون تشکیل حکومت الهی اصلاً نمی شود حکومت را برقرار کرد. پس تشکیل حکومت الهی، لازم است و هدف مهم آن هم اجرای عدالت است.

اجرای عدالت در عرصه های مختلف اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باز یکی از اهدافی است که یک حکومت الهی دارد. دیگری مسئله هدایت و ایمان است که این اساساً در سایر حکومت ها مورد غفلت است. این فرمایش حضرت امام است که می فرمایند: «جمهوری اسلامی باید مشی آن دین باشد. که هدایت کند مردم را. در اسلام هر چه هست برای صلاح ملت هاست. برای صلاح حال بشر است. دیگری آن است که در حکومت الهی که رهبر و ولی فقیه دارد، همه در برابر قانون مساوی هستند». این نیز یکی از ویژگی های اسلام و حکومت اسلامی و خط مبارک حضرت امام است. ایشان در ادامه مثال می زنند: «حضرت امیر علی (ع) که وقتی کسی از ایشان شکایتی داشت و به قاضی برده بود، خود ایشان هم رفت در کنار آن شاکی و پیش آن قاضی. و حتی قاضی را نهی کرد به خاطر این که علی (ع) در منصب حکومت هستند و به او احترامی بیش از شاکی قائل شود». از اینجا حضرت امام نتیجه می گیرند که همه در برابر قانون، برابر هستند و حکمی که ولی فقیه دارد لازم است که خودش نیز آن را اجرا کند و به آن عمل کند.

اما در زمینه سیاست خارجی بنده سرفصل ویژگی های خط امام را مرور می کنم. مسئله حفظ استقلال کشور در مقابل بیگانگان، جلوگیری از نفوذ و دخالت قدرت های خارجی در مقدرات کشور و مبارزه با بیگانگان جزو رهنمودهای حضرت امام است. در مورد سیاست خارجی، ایشان به شدت حساس بودند که قدرت های خارجی، دخالت در مقدرات کشور نداشته باشند. اصل دیگر مورد نظر ایشان در سیاست خارجی این است که ما نه ظالم باشیم و نه مظلوم، یعنی نه در مقام سلطه گری باشیم و نه در مقام سلطه پذیری. نه ظلم کنیم و نه اجازه بدهیم کسی به ما ظلم کند. باز هم اصل دیگر ایشان، عدم دخالت در کشورهای دیگر است. نکته دیگر، دفاع در مقابل اصول بیگانگان بود و اصل نه شرقی و نه غربی. برقراری روابط حسنه با کشورهای بیگانه که قصد دخالت در امور ما را ندارند و با همه کشورهای بیگانه که چنین هستند رابطه حسنه را توصیه می فرمایند. حضرت امام، اسرائیل را استثنا می دانند. اصولاً ایشان اسرائیل را یک دولت غیر مشروع می دانند و مشروعیت آن را زیر سؤال می برند و رابطه با آمریکا را با توجه به ویژگی هایی که دارد مردود می دانند.

در همین نامه ای که پیش تر عرض کردم و خطاب به آقای انصاری نوشتند، به صراحت می گویند که یکی

از مواردی که دو جناح نباید با آن اختلاف داشته باشند، مسئله امریکاست. ایشان در نهایت این طور دعا می‌کنند که: «خداوند برای همه کسانی که دل‌شان برای احیای اسلام ناب محمدی و نابودی اسلام امریکایی می‌طبد، توفیق عنایت فرماید». ایشان به هر دو جناح توجه می‌دهند که مراقب باشید از این سیاست دور نشوید. تأکید ایشان این است که هر دو جناح باید مواظب باشند و موضع‌گیری‌ها باید به گونه‌ای باشد که برای حفظ اصول اسلام و برای همیشه تاریخ، حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم، علیه سرمایه‌داری غرب و در رأس آن امریکا باشد.

یکی دیگر از رهنمودهای سیاست خارجی حضرت امام، تأکید بر صدور اسلام است؛ البته با دعوت و نه با زور. همچنین است حمایت معنوی از نهضت‌های آزادیبخش و احیای هویت اسلامی در سطح کشورهای اسلامی و تلاش برای برقراری وحدت اسلامی. ایشان در حوزه سیاست داخلی، تکیه بر رأی مردم است که از دیدگاه ایشان، انقلاب را مردم شکل دادند و تنها با اعتماد به مردم است که پیش می‌رود. خط ایشان در سیاست داخلی، مشارکت هرچه بیشتر مردم در همه امور کشور اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و همچنین توجه به امنیت و ثبات ملی، نهایت به آزادی احزاب و آزادی بیان (با توجه به ضوابط اسلامی و قوانین و بازعایت وحدت در اصول) و توجه به رعایت تساوی همه در برابر قانون، اینها همه مربوط به اصول و مبانی خط ایشان در حوزه سیاست داخلی است.

در زمینه فرهنگی امام یک نوع هدایت مستمر را برای حکومت قائل هستند. ایجاد بصیرت و صبر در مردم، خودباوری ملی، مقابله با تحمیل فرهنگ غربی، احیای شعائر اسلامی اعم از نماز جمعه و جماعات، رشد علمی و اخلاقی، جلب مشارکت در زمینه‌های فرهنگی، وحدت حوزه و دانشگاه، ایشان آزادی را به شیوه‌های غربی نفی می‌کنند و تذکرات اکید نسبت به مطبوعات و مسئولان دارند که مراقب باشید این گونه آزادی‌های ظاهری ظهور در مطبوعات و رسانه‌های داخلی پیدا نکند.

در زمینه اقتصادی ایشان اصرار در سازندگی کشور دارند و این که ما باید یک نمونه خوب از توسعه در زمینه اقتصادی در جهان ارائه کنیم، مشابه امور دانشگاهی که خواستار آند تا آن قدر پیشرفت داشته باشیم که دانشجویان از سراسر جهان به کشور ما بیایند، از نظر اقتصادی هم تأکید دارند که ما باید بازارهای جهان را (به تعبیر ایشان) از آن خود سازیم و خلاصه توسعه همه جانبه در زمینه‌های اقتصادی و سازندگی کشور، تأمین رفاه و امنیت، از بین بردن محرومیت اقتصادی، لغو ربا، تقویت استقلال و استغنائی اقتصادی کشور، مشارکت مردم در همه امور اقتصادی، پرهیز از اسراف، تأکید بر ساده زیستی مسئولان، جهت دادن به فعالیت‌های اقتصادی مردم و این که سرمایه‌هایی که از راه قانونی و مشروع به دست آمده‌اند، امنیت‌شان تأمین شود و بتوانند در سرمایه‌گذاری و باز تولید، شرکت کنند. از جنبه‌های مورد توجه ایشان است.

اگر قرار باشد بنده تمام نکاتی را که در عرایض اشاره کردم، کدهایش را از فرمایشات و از وصیت‌نامه امام بخوانم وقت زیاد می‌گیرد و لذا به همین اندازه بسنده می‌کنم. محققان و علاقه‌مندان می‌توانند به صحیفه‌نور مراجعه فرمایند و متون را بیابند. امیدوار هستیم که با تلاش همه ما در این سال، اصول و مبانی اندیشه و خط امام، چراغ راه همه ما و چراغ راه این جمهوری باشد که در حقیقت جمهوری اسلامی، سلوک حکومتی حضرت امام است. در اینجا اسلام، جمهور و مردم لازم و ملزوم یکدیگر و تفکیک‌ناپذیر است. این حقیقت سترگ باید مورد عنایت خاص باشد و همه جناح‌ها در این اصل و دیگر اصولی که بر شمرده، نقطه مشترک داشته باشند.

در خاتمه عرایض ماینم به این نکته اشاره کنم که تنوری سازی و نظریه سازی. در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کاملاً باز است. کار کارشناسان، اندیشمندان و آشنایان به اصول اسلامی همین است که با تکیه بر اصول به تدوین نظریات نوین اقتصادی و دیگر رشته های علوم انسانی بپردازند و در مورد آن نظریه های نو پدید آورند و هر روز نظرات قبلی را کامل تر کنند و دستاوردهای تازه ای را در خدمت مردم قرار دهند. به همین ترتیب توصیه می کنم به مناسبت سال امام، چه نیکوست که محققان و اندیشمندان با تأمل و تحقیق در سخنان امام و با کندوکاو در اندیشه و سیره آن حضرت، راه های تازه ای را در برابر دیدگان مردم بگشایند.

والسلام علیکم ورحمة الله.